یادداشت

چرا PMD باید مختومه شود؟



مهراد نجفی
کارشناس
مسائل امریکا

پروژه برجام در سال ۹۴ و احیای آن در حال حاضر از منظر ایران - اگر نخواهیم بگوییم صرفاً - عمدتاً بعد اقتصادی داشته و همواره از دریچه کاهش فشار تحریم به آن نگریسته شده است. از همین رو می‌توان رفتار تیم مذاکره کننده را بر مبنای وضعیت اقتصادی تحلیل کرد.

در این ایام که تیم مذاکره کننده ایرانی پای خطوط قرمز خود محکم می‌ایستد و در برابر زیاده خواهی امریکا مقاومت می‌کند، به نظر می‌رسد وضعیت کشور از نظر اقتصادی رو به جلو است. قراردادهایی که با قدرت‌های نوظهور بسته شده یا در حال انجام است، تعاملات منطقه‌ای، افزایش حجم ترانزیت و فروش نفت و بالا رفتن قیمت انرژی، همه حکایت از دلیل آرامش مذاکره کنندگان ایرانی در مذاکرات احیای برجام دارد.

این موارد به عاملی تبدیل شده‌اند تا تیم مذاکره کننده هسته‌ای ایران با فراغ بال و ایستادگی بیشتر بر خطوط قرمز، مذاکرات را آنطور که مطلوب منافع ملی ایران است به پیش ببرد.

اما پیش از شروع بحران اوکراین، از طرف غربی‌ها منافع اقتصادی ذیل برجام در حاشیه قرار داشت. امریکایی‌ها و اروپایی‌ها، بیش از هر چیزی، مباحث مرتبط با نظام امنیتی منطقه را مدنظر دارند و در تلاشند کاستی‌ها و ضعف خود در منطقه را از طریق دیپلماسی برطرف کنند.

بر این اساس توافق هسته‌ای با ایران از سوی طرف غربی به عنوان یک توافق امنیتی، آن هم برای جلوگیری از بروز رقابت تسلیحات اتمی ادعا می‌شود. به اعتقاد آنان، برجام توافقی است که در ازای دادن یکسری امتیازات اقتصادی به ایران از هسته‌ای شدن کشورمان و افزایش تنش در منطقه جلوگیری خواهد کرد.

این نکته زمانی اهمیت می‌یابد که بدانیم منطقه غرب آسیا در نظر امریکا و متحدان اروپایی، به مانند یک تکه پازل در نقشه جهان به شمار می‌رود. یعنی تحرکات سایر بازیگران و صلح و تنش در نقاط مختلف جهان بر سیاست‌گذاری خارجی غرب اثر می‌گذارد.

برای مثال وقتی تعادل امنیتی شرق اروپا به واسطه گسترش ناتو و عملیات روسیه برهم خورده و در شرق آسیا نیز تنش‌ها به واسطه تحریک چین بالا گرفته است، امریکایی‌ها اولویتشان را ایران و منطقه غرب آسیا برمی‌دارند و ترجیح می‌دهند در چنین شرایطی شاهد یک تنش مضاعف در این منطقه نباشند تا بتوانند بیشتر بر رقبای جهانی خود یعنی چین و روسیه تمرکز کنند؛ مسأله‌ای که حتی در ابتدای شروع دولت بایدن در سند استراتژی امنیت ملی امریکا منعکس و حالا تشدید شده است.

در کنار این، به نظر می‌رسد غربی‌ها نگران تنش نظامی در خاورمیانه‌ای هستند که بیش از ۳۰ درصد نفت و ۲۰ درصد گاز دنیا را تولید می‌کند.

غربی‌ها معتقدند که اگر برجام احیا شود شاید بتوان تنش‌های احتمالی منطقه‌ای را کنترل کرد و تا سال‌ها رقبای منطقه‌ای همچون ایران، رژیم صهیونیستی، عربستان، ترکیه و... را از رقابت نظامی بازداشت.

آنان بخوبی می‌دانند که منطقه همچون انبار باروتی است که با کوچکترین جرقه‌ای آمادگی و ظرفیت جنگ گسترده را دارد و آن موقع دیگر نفت صد دلاری معنا ندارد و باید در انتظار اعداد و ارقام نجومی باشیم.

در چنین شرایطی که شاهد افزایش قیمت انرژی و افزایش تورم جهانی و رکود در صنایع اروپا و جهان هستیم و برآوردها حکایت از ایجاد شرایط بدتری در جهان دارند، اروپایی‌ها و امریکایی‌ها، از یکسو تمایلی برای چشم پوشی کردن از برجام نداشته و از سوی دیگر هم عجله‌ای برای احیای آن ندارند. ایران هم نه تمایلی به خروج از برجام را دارد و نه ضرورتی می‌بیند که به هر توافق بدی بله بگوید.

اما در شرایطی که امروز شاهد افزایش قیمت انرژی و افزایش تورم جهانی و رکود در صنایع اروپا و جهان هستیم و برآوردها حکایت از ایجاد شرایط بدتری در جهان دارند، اروپایی‌ها و امریکایی‌ها، از یکسو تمایلی برای چشم پوشی از برجام نداشته و از سوی دیگر هم عجله‌ای برای احیای آن ندارند. ایران هم نه تمایلی به خروج از برجام دارد و نه ضرورتی می‌بیند که به هر توافق بدی بله بگوید.

در این شرایط بینابین، هر دو طرف ترجیح می‌دهند که همین وضعیت تا رسیدن به نتیجه مطلوب خود ادامه یابد. نه برجامی غیر مطلوبِ احیا شود و نه همین توافق نیمه جان از بین رود. در واقع احتمالاً همین شرایط تا جایی ادامه پیدا خواهد کرد که یکی از طرفین در موقعیت برتر قرار بگیرد. حال این موقعیت برتر ممکن است به دلیل بهبود شرایط اقتصادی کشورمان برای ایران پیش بیاید یا به واسطه پایان جنگ اوکراین و کاهش قیمت انرژی و رکودی که صنایع غرب را تعطیل کرده و تقاضای انرژی را کاهش داده، به نفع غربی‌ها رقم بخورد.

قابل توجه اینکه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز روز دوشنبه برگزار خواهد شد؛ نشستی که از هم‌اکنون سناریوهای خوشبینانه و بدبینانه‌ای برای آن پیش‌بینی شده است. با توجه به شرایطی که پیشتر ذکر شد، بعید به‌نظر می‌رسد که شاهد سناریوی بدبینانه‌ای باشیم که ضمن آن غربی‌ها قید هرگونه توافق با ایران را بزنند و شورای حکام پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دهد.

آن چیزی که بیشتر محتمل است، این است که مجدداً یک قطعنامه تذکرآمیز صادر شود که در آن از ایران همکاری بیشتر با آژانس درخواست شود.

نکته بسیار مهم دیگر در رابطه با توافق هسته‌ای نیز بحث ضرورت بسته شدن پرونده پی‌ام‌دی از طرف ایران است. این پرونده که به ابعاد ادعایی فعالیت صنعت هسته‌ای می‌پردازد، از زمان خروج یکجانبه امریکا از برجام مجدداً فعال شده و به بهانه‌های واهی ایران را زیر فشارهای بین‌المللی برده است.

اهمیت بسته شدن این پرونده در این است که اگر توافق برجام بخواهد احیا شود استفاده از مکانیزم ماشه منوط به گزارش آژانس علیه ایران و تخلف و تخطی کشورمان از برجام خواهد بود. بنابراین اگر پرونده پی‌ام دی بنا به خواست ایران، بسته نشود حتماً می‌تواند دستاویزی برای کشورهای غربی بویژه امریکا باشد. به محض اینکه شرایط دنیا تغییر کند و تمرکز احتمالی ایالات متحده از روسیه و چین کاسته شود، ایران مرکز توجه قرار می‌گیرد.

یا اگر دولت متفاوتی در ایالات متحده روی کار بیاید که بخواهد بیشتر به بحث هسته‌ای ایران توجه کند، احتمالاً می‌تواند به واسطه گزارش‌های خلاف واقع آژانس به راحتی از مکانیسم ماشه استفاده کند.

بنابراین ایستادگی تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان بر این پرونده بسیار توجیه پذیر و عقلانی است و کسانی که تأخیر در احیای توافق را به رقابت‌های جناحی گره می‌زنند بی‌شک یا علم به این موضوع ندارند یا اعتقادی به منافع ملی ندارند.

پس از بیانیه آژانس علیه برنامه هسته‌ای ایران؛ فرانسه، آلمان و انگلیس خواستار همکاری تهران با این نهاد شدند

پاسکاری سیاسی آژانس و اروپا



آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان



جیمز کِلورلی وزیر خارجه انگلیس



کاترین کولونا وزیر خارجه فرانسه

گروه سیاسی/ در شرایطی که امریکا باید درباره آخرین بسته پیشنهادی ایران در روند مذاکرات رفع تحریم‌ها تصمیم گیری کند، فرانسه، آلمان و انگلیس روز گذشته بار دیگر در بیانیه‌ای مدعی شدند که ایران از فرصت دیپلماتیک حساس استفاده نکرده است و مواضع و خواسته‌های آن در مذاکرات وین، چشم‌انداز احیای توافق هسته‌ای را به خطر انداخته است. این سه کشور اروپایی با اشاره به متن پیش‌نویسی که «جوزپ بورل»، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا چندی پیش در اختیار همه اعضا قرار داد و خواستار تصمیم گیری آنها شد، قصور و تعلل در تصمیم‌گیری را به جای امریکا متوجه ایران کرده‌اند و مدعی شده‌اند «با وجودی که هماهنگ‌کننده در این بسته نهایی تغییراتی ایجاد کرد که مذاکرات را به نهایت انعطاف‌پذیری قابل انجام رساند اما ایران این فرصت حیاتی دیپلماتیک را مغتنم نشمرد.» اروپایی‌ها در ادامه مدعی شده‌اند در آستانه دستیابی به توافق، ایران مسائل جداگانه‌ای را دوباره باز کرد که به تعهدات الزام‌آور قانونی تحت معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی (ان پی تی) و توافق پادمانی انجام شده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مربوط است. به ادعای تروئیکای اروپایی این خواسته ایران با تعهدات الزام‌آور قانونی در تناقض بوده و چشم‌انداز احیای برجام را تضعیف می‌کند. این کشورها در نهایت با طرح این ادعا که ایران هیچ گامی برای رفع ابهامات آژانس برنداشته، خواهان پاسخگویی به درخواست‌های اخیر آژانس درباره شماری از موضوعات اختلافی جاری شده‌اند.

■ **محور اختلاف**

یکی از موضوعاتی که در پاسخ نهایی تهران به اتحادیه اروپا به محور اختلافی تبدیل شده است، حل و فصل کامل موضوعات پادمانی میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سپس ارائه تضمین قابل اتکا برای اطمینان یافتن از بهره‌مندی کامل ایران از منافع اقتصادی در توافق احتمالی است. توجه تهران به این دو امر مهم به واسطه تجربه‌ای حاصل شده که از بدعهدی امریکا و انفعال اروپا در برجام شکل گرفته است. از این رو ایران خواهان شفاف‌سازی پیرامون تعهدات همه طرف‌هاست تا راه را بر هرگونه تفسیر یکجانبه و سوءاستفاده از منافع تعریف شده از سوی طرف‌های مقابل ببندد.

بیانیه ادعایی تروئیکای اروپایی در حالی ادعاهای تازه‌ای را پیرامون عدم همکاری ایران با آژانس مطرح کرده است که ایران پیشتر در چهارچوب توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ درباره همه موضوعات ادعایی آژانس تحت لوای پرونده «مطالعات ادعایی» موسوم به «پی ام دی» شفاف‌سازی کرده بود. از این رو به اعتقاد مقام‌های کشورمان دلیلی برای طرح دوباره این موضوعات وجود ندارد و در صورت احیای توافق، پرسش‌های آژانس پیرامون این موضوعات باید از دستور کار خارج شود،اما مقام‌های امریکایی مدعی هستند ایران باید پاسخگوی فعالیت‌های خود و همچنین جوابگوی هرگونه اتهامات و ابهامات جدید آژانس باشد. اما این درخواست ادعایی در حالی مطرح شده که تهران در ماه‌های ابتدایی سال جاری همکاری فشرده‌ای را با «رافائل گروسی»، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای شفاف‌سازی موضوعات اختلافی انجام داده بود؛ امری که از سوی کشورهای غربی طرف مقابل نادیده گرفته شده است. از این‌رو کشورهای اروپایی به جای توجه به خواسته بحق کشورمان مبنی بر لزوم پایان یافتن ادعاهای سیاسی آژانس در صورت توافق احتمالی، در بیانیه اخیر خود تنها بر لزوم همکاری ایران تأکید کرده‌اند. جالب آنکه آنها با قرار گرفتن در کنار امریکا و نادیده گرفتن خواسته ایران مدعی شده‌اند که اجرای توافق و تحقیقات مربوط به تعهدات قانونی ایران بر مبنای ان‌پی‌تی و پادمان‌ها نباید منوط به یکدیگر باشد.

■ **دیدار وزرای خارجه امریکا و سه کشور در بروکسل**

این بیانیه پس از آن صادر شد که «آنتونی بلینکن»، وزیر خارجه امریکا که به بروکسل سفر کرده است، با کاترین کولونا، جیمز کِلورلی و آنالنا بربوک، همتایان خود از فرانسه، انگلیس و آلمان دیدار کرد.

وزارت خارجه امریکا با انتشار بیانیه‌ای خبر داده است که درباره چالش‌های ایران رایزنی و بر تعهدشان برای رسیدگی به این چالش‌ها تأکید کرده‌اند.

مواضع ادعایی و یکجانبه گرایانه طرف‌های اروپایی و امریکایی را باید در امتداد تلاش‌های گسترده‌ای ارزیابی کرد که از سوی مقام‌های صهیونیستی در رایزنی با مسئولان واشنگتن به جریان انداخته‌اند.

در همین ارتباط «رابرت مالی»، نماینده ویژه امریکا در امور ایران دو روز پیش با مسئولان و مقامات شماری از مهم‌ترین سازمان‌های یهودیان امریکا که حامی رژیم صهیونیستی هستند، دیدار کرده تا به پرسش‌های آنان در باره تلاش‌های واشنگتن برای احیای توافق پاسخ دهد.

این در حالی است که هفته گذشته نیز «دیوید بارنئا»، رئیس موساد که از تندروترین منتقدان مذاکرات جاری به شمار می‌آید، به واشنگتن رفت تا مقامات امریکایی را برای اتخاذ مواضع قوی‌تری علیه تهران تحت تأثیر قرار دهد.

سید جلال دهقانی فیروزآبادی در گفت‌وگو با «ایران» در توضیح چرایی توقف دوباره مذاکرات مطرح کرد

مین‌گذاری در پساتوافق



گروه سیاسی/ مذاکرات رفع تحریم‌ها در حالی به دلیل تردید واشنگتن جهت اتخاذ تصمیم آخر بار دیگر با وقفه روبه‌رو شده که مقام‌های امریکایی مدعی شده‌اند آخرین پاسخ مکتوب ایران به اتحادیه اروپا دلیل بروز بن‌بست شکل گرفته جاری است. این در حالی است که امتناع طرف‌های مقابل از پایان بخشیدن به پرونده‌های سیاسی ایران و آژانس در قالب توافق احتمالی به اصلی‌ترین گره در گفت‌وگوها تبدیل شده است. دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی، استاد تمام دانشگاه و صاحبنظر مسائل بین‌المللی در گفت‌وگو با «ایران» به تشریح این تحولات پرداخته است.



■ **مذاکرات وین در حالی با نوعی بن‌بست روبه‌رو شده که امریکا در آخرین موضع‌گیری مدعی شده پاسخ ایران، مذاکرات را به عقب برده است. این در حالی است که به نظر می‌رسد موضوع اختلافات جاری ایران و آژانس درباره شماری از مکان‌های ادعایی سبب بروز این مشکل شده است. نظر شما چیست؟ آیا این تنها مسأله مورد اختلاف است؟**

پس از آغاز مذاکرات رفع تحریم‌ها در وین، مسائل متعددی در حوزه‌های مختلف مطرح بود و از همان ابتدا کمیته‌های مختلفی پیرامون موضوع تحریم‌ها و راستی آزمایی و همچنین کمیته فنی و اجرای تعهدات ایران تشکیل شد که کمیته فنی اولین بخشی بود که مذاکرات آن به نتیجه رسید. در مراحل بعدی مشکلات در بحث تضمین‌ها و تحریم‌ها مطرح بود.

در این زمینه بحث تعهدات طرف مقابل بسیار اهمیت داشت؛ یعنی باید تضمینی وجود می‌داشت که پس از اجرای تعهدات فنی ایران، تعهدات طرف مقابل هم اجرا شود. در اینجا موضوع تضمین در حالی مورد پیگیری جدی قرار گرفت که باقی ماندن یکسری موضوعات اختلافی از جمله پرونده ادعایی آژانس علیه ایران می‌توانست بر سایر موضوعات از جمله تضمین و رفع اثرگذار تحریم‌ها سایه بیندازد. به این ترتیب ایران اعلام کرد به نوعی تضمین نیاز دارد مبنی بر اینکه در صورتی به همه تعهدات پادمانی خود عمل می‌کند که سایر طرف‌ها هم به تعهداتشان عمل کرده باشند.

اما طرف مقابل مدعی است موضوع پادمانی از روند مذاکرات وین جداست و این ایران بوده که در پاسخ نهایی خود به عقب بازگشته است.

بله؛ امریکایی‌ها مدعی‌اند این دو موضوع مستقل است و ربطی به هم ندارد در حالی که ایران معتقد است موضوع همکاری پادمانی با آژانس و توافق احتمالی به یکدیگر مرتبط است. ایران پیشتر حتی به صورت فراپروتکلی پذیرفته بود که نظارت‌های آژانس به صورت داوطلبانه انجام شود اما وقتی با بدعهدی طرف مقابل در قالب برجام روبه‌رو شد و علاوه بر آن دید که طرف‌های مقابل به جای جبران منافع از دست رفته ایران، موضوعات دیگری را از طریق آژانس تحمیل کرده‌اند، اعلام کرد که توافق احتمالی را در صورتی امضا می‌کند که همه موضوعات حل شود. در توضیح بیشتر باید گفت که موضع ایران این نیست که با آژانس همکاری نکند و دسترسی اطلاعات را قطع کند، بلکه معتقد است درصورتی همکاری می‌کند که طرف‌های مقابل هم تعهداتشان را انجام داده باشند؛ یعنی موضوع اختلاف اینجاست.

اما طرف مقابل می‌گوید تعهدات پادمانی ایران و آژانس ربطی به برجام ندارد در حالی که ایران به درستی معتقد است با توجه به تجارب گذشته اگر قرار باشد توافقی درباره موضوع هسته‌ای صورت گیرد، طبیعتاً باید همه مسائل مربوط به این موضوع حل و فصل شود. اتفاقاً این اختلاف به بحث تحریم‌ها و تضمین‌ها هم مرتبط است؛ به این معنی که چنانچه این مسأله حل نشود در آینده کشورهای غربی می‌توانند به هر بهانه جدیدی مانع اجرای مؤثر توافق و لغو تحریم‌ها شوند.

■ **به نظر می‌رسید اختلاف بر سر مسائل پادمانی میان ایران و آژانس در ادوار اخیر مذاکرات حل شده بود. در همین رابطه وال استریت ژورنال تیرماه گذشته ادعا کرد که اتحادیه اروپا در تلاش برای شکستن بن‌بست در مذاکرات، امتیاز جدیدی را به تهران پیشنهاد کرده است؛ به این ترتیب که اگر ایران همکاری کند، ایالات متحده و سایر طرف‌های گفت‌وگو از شورای حکام آژانس می‌خواهند که تحقیقات را کنار بگذارند. با وجود این ادعا، چرا امریکا از این موضع خود عقب‌نشینی کرد و موضوع پادمان را در آخرین بسته پیشنهادی ایران نپذیرفت؟**

طرف‌های غربی در مذاکرات گذشته ظاهراً به نوعی پذیرفته بودند که موضوعات اختلافی ایران و آژانس یا در چهارچوب توافق بسته شود یا دو ماه به ایران وقت داده شود که این مسأله تا فرصت بازاجرای توافق بسته شود. آنچه برای ایران حائز اهمیت است بستن یا خنثی کردن اهرم‌های فشاری است که بویژه امریکایی‌ها می‌توانند بعد از توافق علیه ایران فعال کنند و به کار گیرند. یکی از این اهرم‌های فشار، آژانس است. متأسفانه آژانس در سال‌های گذشته واقعاً بی‌طرف عمل نکرده و عملکرد آن ناظر بی‌طرفی نبوده است.

بویژه در مذاکراتی که ایران در خلال آن به طرف‌های مقابل اطمینان و اعتماد هم ندارد، به این بی‌اعتمادی دامن زده است. وقتی مدیر کل آژانس پیش از یک نشست مهم درباره ایران به سرزمین‌های اشغالی می‌رود و با مقام‌های صهیونیستی مذاکره کرده و به آنها گزارش می‌دهد، این امر سوءظن ایران را تشدید می‌کند که اگر روند همکاری ایران و آژانس حل نشود، قطعاً می‌تواند به مثابه ابزاری در دست امریکا و رژیم صهیونیستی علیه آن باقی بماند. یعنی احتمال دارد امریکایی‌ها به بهانه بسته نشدن پرونده ایران یا ادعاهای مجدد، فشارهای تازه‌ای را وارد کرده و به تعهداتشان عمل نکنند. این باعث می‌شود راه اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران باز بماند. از این رو ایران به درستی اصرار بر بستن این پرونده‌ها برای همیشه دارد.

■ **دلیل عقب‌نشینی امریکایی‌ها از مواضع خود چیست؟**

در ادوار اخیر مذاکرات، یک مدالیته پیرامون موضوعات اختلافی ایران و آژانس اندیشیده شده بود تا همزمان با توافق یک الی دو ماه بعد از امضای آن، مسأله آژانس بسته شود. دلیل عقب‌نشینی امریکا به تحولات داخلی این کشور و اختلافات عمده‌ای باز می‌گردد که شماری از سیاستمداران با دولت بایدن پیرامون مذاکره با ایران دارند. در هفته‌های اخیر بسیاری از مقام‌های سابق و جمهوری خواهان بیانیه‌ای صادر کردند مبنی بر اینکه بایدن امتیازات زیادی به ایران داده است بنابراین این یکی از دلایلی می‌تواند باشد که بایدن برای اینکه منتقدین توافق را اقناع کند، موضع سرسخت‌تری بگیرد. بی‌تردید فشار صهیونیست‌ها هم اثرگذار است.

■ **بله به نظر می‌رسد اسرائیلی‌ها روی موضوع آژانس فشار زیادی به امریکا وارد کرده‌اند.**

بله همین امر سوءظن را درباره اصرار طرف مقابل برای باز نگه داشتن پرونده اختلافی میان ایران و آژانس تشدید می‌کند. اولاً اسرائیلی‌ها تلاش می‌کنند این توافق امضا نشود یا اگر امضا می‌شود یک اهرم‌های فشاری باز باشد تا در آینده بتوانند مسیر فشار خود را پیش ببرند گرچه خیلی هم نمی‌توان موضع اسرائیل و امریکا را از هم تفکیک کرد. من معتقدم یک تقسیم کاری هم بین این دو طرف برای باز نگه داشتن راه اعمال فشار علیه ایران صورت گرفته است.

بنابراین فشار لابی اسرائیل هم عامل مهمی است که باعث شده بایدن از موضع قبلی خود عقب‌نشینی کند.

از سوی دیگر انتخابات میان دوره‌ای کنگره هم عاملی منفی است؛ یعنی هرچه انتخابات کنگره نزدیک‌تر می‌شود موضع بایدن برای پاسخگویی به رقبایش سخت‌تر می‌شود بنابراین الان فرضیه‌ای قوی وجود دارد که دولت امریکا قصد دارد تصمیم‌گیری درباره مذاکرات را به بعد از انتخابات کنگره در آبان موکول کند. قاعدتاً بایدن وقتی الان نمی‌تواند تصمیم بگیرد، در آن موقع که به احتمال قوی با موضع ضد مذاکرات دموکرات‌ها و شمار زیادی از جمهوری خواهان روبه‌رو شود، موضعش ضعیف‌تر می‌شود و در آن موقع اراده سیاسی و توان سیاسی کمتری دارد که بتواند به مطالبات ایران پاسخ دهد. از این‌رو معتقدم انتخابات عاملی بوده که باعث شده بایدن نتواند تصمیم‌گیری کند. در نهایت هم مشکل اصلی این است دولت بایدن یک دولت مردد است و نمی‌تواند تصمیم بگیرد. او در جریان انتخابات قول داده بود موضوع مذاکرات را حل کند اما الان نشان داده توان تصمیم‌گیری و اقناع رقبا یا پاسخ گویی به آنها را ندارد.

■ **به نظر می‌رسد در این میان اروپایی‌ها در خوش بینانه‌ترین حالت به یک تماشاگر تبدیل شده‌اند که در بسیاری مواقع در کنار امریکا قرار می‌گیرند نظر شما چیست؟**

پیشینه عملکرد اروپایی‌ها بویژه در زمانی که بدون امریکا وارد مذاکرات هسته‌ای با ایران شدند، نشان می‌دهد که این کشورها به طور کلی یک بازیگر تابع امریکا هستند و از نظر تاریخی دنباله روی این کشور بوده‌اند. در بحث هسته‌ای ایران هم این تابعیت محض را نشان داده اند؛ یعنی ما شاهد بوده‌ایم هر وقت امریکایی‌ها موضع مثبتی در قبال مذاکره با ایران می‌گیرند موضع اروپا هم مثبت است و برعکس. پاسخ اولیه‌ای که ایران در روند مذاکرات ارائه داد و اروپا هم آن را سازنده ارزیابی کرد، به این دلیل بود که موضع امریکایی‌ها مثبت بود الان که موضع امریکا سلبی است اروپا هم در همان موضع ایستاده است در واقع اروپا یک میانجی بی‌طرف نیست بلکه طرف امریکاست و معمولاً هم در مذاکرات قبلی و هم گفت‌وگوهای جاری بیشتر تلاش می‌کند ایران را قانع کند تا امریکا را که از مواضعش کوتاه بیاید.

کشورهای اروپایی حتی در زمان خروج ترامپ از برجام به جای فشار به امریکا بر ایران فشار می‌آوردند که حقوقش را مطالبه نکند الان هم همین نقش را ایفا می‌کنند. یعنی به جای اینکه با امریکا لابی کنند که انعطاف لازم را به خرج دهد به ایران فشار می‌آورند.

■ **با توجه به این تحولات، چه عاملی می‌تواند روند جاری را از بن‌بست خارج کند و امکان حصول به نتیجه را افزایش دهد؟**

به نظر من روسیه و چین الان می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. اروپا که طرف امریکاست و میانجی نیست و در حال ایجاد فشار بر ایران است بنابراین الان وقت آن است که روسیه و چین نقش آفرینی فعال‌تری داشته باشند و با اروپایی‌ها و امریکایی‌ها مذاکره کنند تا به نوعی بتوانند بر آنها فشار ایجاد کنند. به هر حال تحولات اوکراین هم خیلی بر موضع اروپایی‌ها تأثیر داشته است. آنها از گذشته پیرو سیاست‌های امریکا بودند و جنگ اوکراین این دنباله روی را تشدید کرده است و در حال حاضر خیلی به امریکا نیاز دارند. از این رو طبیعی است که در روند مذاکرات هم تمام قد در کنار امریکا بایستند.

اما این در حالی است که روسیه هم به دلیل بحران اوکراین درگیری مستقیمی با طرف‌های غربی دارد از این رو چین بیشتر از روسیه می‌تواند نقش داشته باشد و آزادانه‌تر و مؤثرتر مداخله کند.

به نظر من دیپلماسی ایران باید در مسیری به جریان بیفتد که نقش آفرینی دو کشور چین و روسیه را مطالبه کند؛ یعنی انتظار من این است به خصوص چین و سپس روسیه وارد صحنه شوند و نقش فعالی در صحنه مذاکرات داشته باشند.